

سخن هفته: تکیه بر اژدها؛ آیا چین قابل اعتماد است؟

خبرهایی رسیده از هفتمین دور گفت‌وگوها میان زلمی خلیل‌زاد و گروه طالبان در دوحه قطر حاکی از این است که مسوده نهایی توافق میان طالبان و امریکا در حال تکمیل شدن است و جزئیات اندکی آن باقی مانده و قرار است تا ماه آینده این توافق به امضاء برسد. در این میان یکی از مواردی که تا هنوز لاینحل باقی مانده مسئله تضمین توافق‌نامه میان دو طرف است. بدین معنا که کدام کشورها پای توافق‌نامه‌ی صلح میان طالبان و امریکا امضاء نموده و آن را تضمین می‌کنند.

شواهد نشان می‌دهد که طالبان از چین به مثابه‌ی یک قدرت بزرگ تقاضا نموده‌اند تا در پای توافق صلح با امریکا امضاء نماید و این پروسه را تضمین کند. سوال اساسی این‌جاست که آیا چین قابل اعتماد است و قادر است که این توافق‌نامه را به نحو احسن آن تضمین کند و از نقض موارد آن جلوگیری کند؟ پاسخ این سوال منفی است. چین نمی‌تواند از نقض این پیمان جلوگیری کند؛ به خصوص که این نقض از سوی امریکا باشد.

چون امریکا در چندین توافق‌نامه و پیمان تجاری و نظامی چین را گول زده و از پیمان‌های امضاء شده با این کشور عقب‌نشینی نموده است. از این‌رو اگر امریکا موارد این توافق را نقض کند، چین نمی‌تواند که مانع از این کار شود. وقتی چین نتوانسته از منافع خود دفاع کند، آیا می‌تواند از منافع طالبان دفاع کند؟

البته با مرور بر سیاست‌های امریکا در سطح جهان این کشور از بسیاری پیمان‌ها عقب‌نشینی نموده و توافق‌نامه‌های مهم بین‌المللی را نقض کرده است. امریکا در این مورد حتی پروای متحدین استراتژیک خود را نیز ننموده و هر زمانی که متوجه شود که پایبند بودن به یک پیمان نفعی برای این کشور ندارد، آن پیمان را به سادگی نقض می‌کند و پای خود را از آن بیرون می‌کشد.

ناگفته نباید گذاشت، چین برای تطبیق پروژه‌های بزرگ اقتصادی‌اش در سطح منطقه نیاز به یک افغانستان باثبات و آرام دارد. چینیایی‌ها به این نظر اند که همکاری و درگیر شدن در روند صلح افغانستان برای ایجاد یک دولت باثبات در این کشور کمک می‌کند تا چین مجال تطبیق پروژه «یک کمربند، یک راه» و سایر پروژه‌های بزرگ اقتصادی را دریابد. پروژه «یک کمربند، یک راه» یکی از بزرگترین پروژه‌های زیربنایی چین در سطح منطقه است که ارزش مجموعی آن 1.3 تریلیون دالر اعلان شده که شامل ساخت شبکه بزرگ از شاهراه‌های مواصلاتی، خطوط ریل، خطوط انتقال لوله‌گاز و خدمات تسریع روند عبور و مرور از سرحدات ۱۲۶ کشور عضو این پروژه می‌باشد. این پروژه بر علاوه اهداف اقتصادی مقاصد نظامی را نیز دنبال می‌کند.

یک افغانستان ناامن و بی‌ثبات می‌تواند این طرح بلندپروازانه‌ی چین را به مخاطره بیاندازد و پناهگاه امن برای ایغورهای باشد که برای استرداد حقوق انسانی شان در چین مبارزه می‌کنند. از این‌رو چین در تلاش تفاهم میان گروه‌های متخاصم در افغانستان است.

بنابراین، حسن نیتی که چین نسبت به گروه طالبان نشان می‌دهد ظاهری بوده و ناشی از منافع استراتژیکش در منطقه است. بدین معنا نیست که چین به طالبان کدام امتیاز خاصی قائل شده، بلکه این امتیاز و روابط هم در راستای منافع چین است.

در سوی دیگر، دولت مستبد چین رفتارهای وحشیانه‌ی را بخاطر از بین بردن اسلام از اذهان جمعیت مسلمانان این کشور انجام می‌دهد. با ایجاد ترس و ارباب آن‌ها را مجبور به پذیرش اعتقادات کمونیستی و ترک ارزش‌های اسلامی شان می‌نماید. دولت چین حتی در برخی از مناطق این کشور انجام اعمال اسلامی را از قبیل: روزه گرفتن، پوشیدن حجاب، گذاشتن ریش و ورود نوجوانان زیر 18 سال به مساجد به‌خاطر گوش دادن به خطابه‌های اسلامی، ممنوع و غیرقانونی اعلان نموده است. هم‌چنین این دولت مانع والدین از گذاشتن نام‌های اسلامی بالای فرزندان شان، مانع تهیه‌ی تعلیمات دینی و سایر فعالیت‌های اسلامی برای فرزندان شان می‌شود. علاوه بر این، زنان مسلمان ایغور را مجبور به ازدواج با افراد غیرمسلمان چینی می‌نماید. حتی دولت چین به این نظر است که: « اسلام یک بیماری واگیر و مسری بوده و معالجه‌ی آن از هر راه ممکن، حتی توسط شکنجه و قتل لازم می‌باشد.»

بنابراین چین رویکرد منافقانه و دوگانه را در قبال مسلمانان به پیش می‌برد از یکسو مسلمانان چینی و ایغورها را سرکوب می‌کند، ولی در سوی دیگر خواهان روابط نیک با طالبان است. پس طالبان نباید بالای چین اعتماد کنند؛ زیرا اعتماد به منافق، بازی با سرنوشت خود است، به‌خصوص منافق که دستش با خون مسلمانان رنگین است.

مصدق سهاک

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان